

الیاس — شماره دو

ویژگی‌های نبوتی

Jeff Pippenger

2023-09-27

در مقاله پیشین، ایلیا را به عنوان یک نماد شناسایی کردیم. مطابق با قواعد ویلیام میلر، «نمادها» می‌توانند بیش از یک معنا داشته باشند. بنابراین، ایلیا به عنوان یک نماد، همچنین می‌تواند نمایانگر یکی از دو بخش نماد دوگانه ایلیا و موسی باشد. نماد دوگانه ایلیا و موسی در سراسر کتاب مکاشفه جریان دارد، و نامطمئن بودن نسبت به آنچه این نماد دوگانه نمایندگی می‌کند، به معنای نامطمئن بودن نسبت به پیامی در کتاب مکاشفه است که درست پیش از بسته شدن در فیض گشوده می‌شود. از این رو، اکنون به طور مشخص به برخی ویژگی‌های نبوی که با نماد ایلیا شناخته می‌شوند، خواهیم پرداخت.

ما برای تثبیت آن ویژگی‌های نبوی، سه شاهد اصلی داریم. آن شهود عبارت‌اند از نبی ایلیا، یحیی تعمیددهنده، و ویلیام میلر که الهام، ایشان را نمادهایی قابل جانشینی با یکدیگر معرفی می‌کند.

«هزاران تن به پذیرش حقیقتی که ویلیام میلر موعظه می‌کرد هدایت شدند، و خادمان خدا در روح و قدرت ایلیا برانگیخته شدند تا این پیام را اعلام کنند. همچون یوحنا، پیشاهنگ عیسی، آنان که این پیام خطیر را موعظه می‌کردند خود را ناگزیر می‌دیدند که تبر را بر ریشه درخت نهند و مردم را فراخوانند تا میوه‌هایی شایسته توبه بیاورند. شهادت ایشان چنان بود که کلیساهای را بیدار سازد و به گونه‌ای نیرومند بر آنان اثر گذارد و خصلت واقعی ایشان را آشکار کند. و هنگامی که هشدار خطیر گریختن از غضب آینده طنین افکند، بسیاری از آنان که با کلیساهای متحد بودند این پیام شفابخش را پذیرفتند؛ آنان لغزش‌های خویش را دیدند و با اشک‌های تلخ توبه و اندوهی عمیق در جان، خویششان را در حضور خدا فروتن ساختند. و چون روح خدا بر ایشان قرار گرفت، به بانگ برداشتن این ندا یاری رساندند: "از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرارسیده است."» Early Writings, 233.

ایلیا، یحیی تعمیددهنده و میلر، روحی خاص به ایشان عطا شده بود که کار آنان را هدایت می‌کرد و بدان هویت می‌بخشید. شهادت ایشان «چنان بود که کلیساهای را برانگیزد و به نیرومندترین وجه متأثر سازد و» «خصلت واقعی» آن کلیساهای را «آشکار نماید.» خواه در روزگار آخاب، خواه در زمان یحیی تعمیددهنده، یا ویلیام میلر، کلیساهایی که آنان خطاب می‌کردند، همگی گرفتار کوری لائودیکیه‌ای بودند؛ کوری‌ای چنان ژرف و تاریک که پیام می‌بایست به همان اندازه صریح باشد که نهادن «تبر بر ریشه درخت.» این پیام دربرگیرنده اعلام پایان مهلت توبه نیز بود، که در مورد یحیی تعمیددهنده همان هشدار «غضبی» بود که «در شرف آمدن» بود. پیام میلر نیز، در اعلام «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا که ساعت داوری او رسیده است،» همچنین هشدار بود از غضبی که در راه بود.

«صدای یوحنا همچون کرنا بلند شد. مأموریت او این بود: "به قوم من عصیان ایشان را، و به خاندان یعقوب گناهان ایشان را اعلام نما" (اشعیا 58:1). او هیچ‌گونه دانش‌اندوزی بشری حاصل نکرده بود. خدا و طبیعت آموزگاران او بودند. اما کسی لازم بود تا راه را پیش روی مسیح آماده سازد؛ کسی که آن‌قدر دلیر باشد که صدای خود را همچون انبیای دوران کهن بلند کند و قوم فاسدشده را به توبه فراخواند.» Selected Messages, book 2, 148.

ایلیاه نے حکم دیا کہ اُس کی نسل اُس دن یہ انتخاب کرے کہ آیا وہ خدا کی خدمت کرے گی یا بعل کی، اور اُس نسل نے ایک لفظ بھی جواب نہ دیا، جو بعل کو اختیار کرنے کے مترادف ہے۔

»ہرگز کبھی بھی اس عین وقت سے بڑھ کر وفادارانہ تنبیہوں، ملامتوں، اور قریب سے، صاف اور سخت برتاؤ کی ضرورت نہ تھی۔ شیطان بڑے زور کے ساتھ اتر آیا ہے، کیونکہ وہ جانتا ہے کہ اُس کا وقت تھوڑا ہے۔ وہ دنیا کو دل فریب افسانوں سے بھر رہا ہے، اور خدا کے لوگ پسند کرتے ہیں کہ اُن سے نرم اور خوش آئند باتیں کہی جائیں۔ گناہ اور بدکرداری سے نفرت نہیں کی جاتی۔ مجھے دکھایا گیا کہ خدا کے لوگوں کو آنے والی تاریکی کو پیچھے دھکیلنے کے لیے زیادہ مضبوط اور پرعزم کوششیں کرنی چاہئیں۔ خدا کے روح کے باریک اور گہرے کام کی اب پہلے سے کہیں بڑھ کر ضرورت ہے۔ حماقت اور جمود کو جھٹک دینا چاہیے۔ ہمیں اُس غفلت اور سستی سے بیدار ہونا چاہیے جو، اگر ہم اُس کا مقابلہ نہ کریں، ہماری ہلاکت ثابت ہوگی۔ شیطان ذہنوں پر ایک زبردست اور قابو رکھنے والا اثر رکھتا ہے۔ واعظ اور لوگ دونوں اِس خطرے میں ہیں کہ کہیں تاریکی کی قوتوں کی طرف نہ پائے جائیں۔ اب غیر جانب دار موقف نام کی کوئی چیز نہیں۔ ہم سب یا تو فیصلہ کن طور پر حق کے لیے ہیں، یا فیصلہ کن طور پر باطل کے ساتھ۔ مسیح نے فرمایا: 'جو میرے ساتھ نہیں، وہ میرے خلاف ہے؛ اور جو میرے ساتھ جمع نہیں کرتا، وہ بکھیرتا ہے۔' Testimonies, volume 3.

327

یوحنا «قوم منحط» زمانہ خود را «نسل افعیان» نامید۔ میلری ہا سرانجام قوم منحط تاریخ خویش را بہ عنوان دختران بابل شناسایی کردند۔ خواہ ایلہا، خواہ یوحنا، یا میلر، ہیچیک از آن سہ الاہی دان نبودند۔ ہمہ آنان از میان زندگی عادی مردم فراخواندہ شدہ بودند۔

»حقیقت، آن گونه که در عیسی است، چنان که او آن را هنگامی که در ابر نرم و انبوه پوشیده شده بود اعلام فرمود، در این روزگار ما نیز راستی و حقیقت است، و همان قدر به یقین ذہن پذیرندہ را نوسازی خواہد کرد کہ در گذشتہ ذہن ہا را نوسازی کردہ است۔ مسیح اعلام کردہ است: "اگر بہ موسی و انبیا گوش نہند، ہرچند کسی از مردگان برخیزد نیز متقاعد نخواہند شد۔" (لوقا 16:31)

»ما بہ عنوان یک قوم، باید راہ خداوند را، تحت ہدایت حاکمانہ روح القدس، برای گستردن انجیل در خلوص آن مہیا سازیم۔ نہر آب حیات باید در مسیر خود ژرف تر و پهناتر گردد۔ در ہمہ میدان ہا، نزدیک و دور، مردمان از پشت گاواہن، و از پیشہ ہای بازرگانی عادی تر کہ تا حد زیادی ذہن را بہ خود مشغول می سازند، فراخواندہ خواہند شد و در پیوند با مردانی کہ تجربہ داشتہ اند—مردانی کہ حقیقت را می فہمند—تعلیم خواہند یافت۔ بہ واسطہ کارکردہای بس شگفت انگیز خدا، کویہای دشواری از میان برداشتہ شدہ و بہ دریا افکندہ خواہند شد۔ بیابید همچون کسانی کار کنیم کہ نیروی حقیقت را، آن گونه کہ در عیسی است، آزمودہ اند۔

»در این دورہ، سلسلہ ای از رویدادہا بہ وقوع خواہد پیوست کہ آشکار خواہد ساخت خدا بر اوضاع کاملاً مسلط است۔ حقیقت با زبانی روشن و پی ابہام اعلام خواہد شد۔ آنان کہ حقیقت را موعظہ می کنند، خواہند کوشید حقیقت را بہ وسیلہ زندگی منظم و سلوکی خداپسندانہ بہ اثبات رسانند۔ و چون چنین کنند، در دفاع از حقیقت و در بخشیدن آن کاربرد یقینی ای کہ خدا بہ آن عطا کردہ است، نیرومند خواہند شد۔

»ہنگامی کہ مردانی کہ حقیقت را شناختہ و تعلیم دادہ اند، بہ فہم انسانی منحرف می شوند و از ظرف افسانہ های خود، بہ ذہن های فریب خورده می پیمایند، آن گاہ زمانی بس فرا رسیدہ است کہ کسانی کہ زمانی در کار بشارتی کارگران بودہ اند، اما بہ ادارہ رستوران ہا، فروشگاہ های مواد غذایی، و دیگر شاخہ های کار بازرگانی کشاندہ شدہ اند، بہ صف آیند، کتاب مقدس های خود را با جدیت مطالعہ کنند، و با کلام خدا در دست، حقیقت کتاب مقدسی، یعنی خوراک روحانی را، در

همکاری با فرشتگان آسمانی، توزیع نمایند. این کار اکنون با صدایی رسا برای کارگرانی با انتصاب الهی فرا می‌خواند. آن‌گاه قادر مطلق به کوه‌های دشواری خواهد گفت: «از جا برداشته شو و به دریا افکنده گرد.»» Paulson Collection, 73, 74

ایلیا، یحیی و میلر چنین بودند و از این‌رو نمایانگر مردانی هستند که از «پیشه‌های» «معمول‌تر» فراخوانده می‌شوند؛ زیرا «مردانی» که پیش‌تر حقیقت را تعلیم داده بودند، سرانجام «به فهم انسانی روی می‌گردانند و به ذهن‌های فریب‌خورده، خوراک افسانه‌های خود را پیمانه می‌کنند.» مردمان عادی‌ای که فراخوانده می‌شوند، «تطبیق یقینی» نبوت کتاب مقدسی را آن‌گونه که «خدا آن را عطا کرده است» ارائه خواهند داد. خواهر وایت در آن بخش، دو بار «کوه‌ها» را «کوه‌های دشواری» معرفی کرد. کار این مردان شامل هموار ساختن «هر کوه» بود. کاری که به وسیله مردمان عادی فراخوانده شده از گاواهن شرایط فروتنانه انجام می‌شود، نمایانگر کار شناسایی روش‌شناسی درست کتاب مقدسی، در تقابل با خوراک افسانه‌های انسانی است که الهی‌دانان زمانه عرضه می‌کنند.

«کار یوحنا تعمیددهنده، و کار آنان که در ایام آخر در روح و قوت ایلیا بیرون می‌روند تا مردم را از رخوت ایشان بیدار سازند، از بسیاری جهات یکسان است. کار او نمونه‌ای از کاری است که باید در این عصر انجام شود. مسیح بار دوم خواهد آمد تا جهان را به عدالت دآوری کند. پیام‌آوران خدا که آخرین پیام هشدار را که باید به جهان داده شود، حمل می‌کنند، باید راه را برای آمدن دوم مسیح آماده سازند، همان‌گونه که یوحنا راه را برای آمدن نخست او آماده کرد. در این کار تدارکاتی، «هر دره‌ای برافراشته خواهد شد، و هر کوه و تپه‌ای پست گردانیده خواهد شد؛ و کج‌ها راست، و ناهمواری‌ها هموار خواهد شد» زیرا تاریخ تکرار خواهد شد، و بار دیگر «جلال خداوند آشکار خواهد شد، و تمامی بشر آن را با هم خواهد دید؛ زیرا دهان خداوند گفته است.» Southern Watchman، 21 مارس 1905.

وه خصوصیات ثلاثه مصلحین جن کی نشان دہی یسعیاہ نے کی، یہ ہیں کہ ہر وادی سرفراز کی جائے گی، ہر پہاڑ پست کیا جائے گا، ٹیڑھے سیدھا کیا جائے گا، اور ناهموار جگہیں ہموار کی جائیں گی۔ خداوند کی وہ راہ جو وادیوں کو سرفراز کرے، پہاڑوں کو پست کرے، ٹیڑھے کو سیدھا کرے، اور ناهموار جگہوں کو ہموار کرنے سے تیار کی جاتی ہے، وہی قدیم راہیں ہیں۔

صدای نداکنندہ‌ای در بیابان: راہ خداوند را مهیا سازید، و در صحرا شاہراہی برای خدای ما راست کنید۔ ہر وادی برافراشتہ خواہد شد، و ہر کوه و تپہ پست خواہد گردید؛ و کڑی‌ها راست خواہد شد، و ناهمواری‌ها ہموار خواہد گردید۔ و جلال خداوند آشکار خواہد شد، و تمامی بشر آن را با ہم خواہند دید؛ زیرا دہان خداوند این را گفتہ است۔ اشعیا ۴۰:۳-۵

ہنگامی کہ یہودیان خردہ‌گیر از یحیی تعمیددہندہ پرسیدند کہ آیا او همان الیاس آمدنی است، پاسخ داد کہ نیست؛ اما سپس خود را با آن بخش از اشعیا معرفی کرد۔

اور یہ یوحنا کی گواہی ہے، جب یہودیوں نے یروشلم سے کاہنوں اور لاویوں کو اس سے پوچھنے کے لیے بھیجا کہ تو کون ہے؟ اور اُس نے اقرار کیا اور انکار نہ کیا، بلکہ اقرار کیا کہ میں مسیح نہیں ہوں۔ پھر انہوں نے اُس سے پوچھا، پھر کیا؟ کیا تو ایلیاہ ہے؟ اُس نے کہا، میں نہیں ہوں۔ کیا تو وہ نبی ہے؟ اُس نے جواب دیا، نہیں۔ تب انہوں نے اُس سے کہا، پھر تو کون ہے؟ تاکہ ہم اپنے بھیجنے والوں کو جواب دیں۔ تو اپنے بارے میں کیا کہتا ہے؟ اُس نے کہا، میں اُس کی آواز ہوں جو بیابان میں پکارنے والا ہے کہ خداوند کی راہ سیدھی کرو، جیسا کہ یسعیاہ نبی نے کہا۔ یوحنا 1:19-23۔

آمادہ‌سازی «راہ خداوند» روش‌شناسی‌ای را مشخص می‌کند کہ فرشتگان، میلر را ہدایت کردند تا آن را دریابد و بہ کار گیرد، تا فهم کتاب مقدسی «راہی» را کہ انسان‌ها می‌بایست در آن سلوک کنند، آمادہ سازد۔ ہر «کوهی» می‌بایست پست گردد، زیرا کوه‌ها در نبوت کتاب مقدسی نمایانگر حقایقی

هستند که در نگاه نخست ظاهراً بیش از حد دشوار برای فهم‌اند. برای درکِ کوهِ باشکوهِ مقدّس مذکور در دانیال فصلِ یازده آیهِ چهل‌وینچ، که پادشاهِ شمال در تلاش برای تسخیر آن است، نخست باید کوهِ باشکوهِ مقدّس literal در اورشلیم را شناسایی کرد، که به گونه‌ای نبوی، کوهِ باشکوهِ مقدّس روحانی را تعریف می‌کند. برای توضیحِ کوهی که به عنوان آرماگدون شناخته می‌شود، که به معنای کوهِ مجدو است، باید به مجدوی literal رجوع کرد. دشواری‌های نبوی که به صورت امور دشوار نمودار می‌شوند، هنگامی برطرف می‌گردند که این اصل به کار گرفته شود که آغاز یک چیز، پایان آن چیز را به تصویر می‌کشد.

و ه طریقه کار جس کی نمائندگی یسعیاہ کرتا ہے، جس کا حوالہ یوحنا دیتا ہے، اور جسے ملر نے پیش کیا، ہر وادی کو سربلند کرتا ہے۔ خواہ وہ یسعیاہ بائیس کی ”رؤیا کی وادی“ ہو، حزقی ایل کی ”مردہ ہڈیوں کی وادی“، یا یوایل کی کتاب میں ”یہوشافاط کی وادی“، وہ طریقه کار جو مسیح کے کردار کی درست فہم پر مبنی ہے—جیسا کہ ملرائٹی تاریخ میں پالمونی، عجیب شمار کنندہ، کے طور پر پیش کیا گیا ہے، یا ہماری تاریخ میں الفا اور اومیگا، عجیب لسانیات دان، کے طور پر—وہی خدا کے کلام کی ”وادیوں“ میں ممثل نبوتی حقائق کو سربلند کرتا ہے۔

چیزهای کج که باید راست گردند و جای‌های ناهموار که هموار ساخته می‌شوند، نمایانگر کارِ اصلاح آداب و سنت‌هایی است که یک کهناتِ لائودیکیه‌ای برای پشتیبانی از خوراک‌های مسموم افسانه‌های خود به کار می‌گیرد. کارِ ایلیا به‌طور خاص چنین شناسانده می‌شود که نمایانگر روش‌شناسیِ درستِ کتاب‌مقدسی در برابر افسانه‌های الهی‌دانان و کاهنان است. این کار به‌وسیله «مردمان عامی» انجام می‌پذیرد، نه به‌وسیله کاهنان و الهی‌دانان تحصیل‌کرده. در میان ویژگی‌های نبوتی این سه شاهد، این حقیقتِ ساده نیز وجود دارد که ایلایای آینده یک مرد خواهد بود.

آن مشاهده ممکن است بی‌اهمیت به نظر برسد، اما از آن‌جا که الاهی‌دانان ادونتیسیم می‌کوشند افسانه‌های خود را برپا نگاه دارند، عبارتی را از خواهر وایت گرفته‌اند که در آن او در زمان آینده دربارهٔ مردی سخن می‌گوید که در روح و قدرت ایلیا خواهد آمد، و سپس افسانهٔ توضیحی خود را بر آن می‌افزایند و اصرار می‌ورزند که خواهر وایت دربارهٔ خود سخن می‌گفت.

«نبوت باید تحقق یابد. خداوند می‌فرماید: ”اینک من ایلایای نبی را پیش از فرا رسیدن روز عظیم و هولناک خداوند نزد شما خواهم فرستاد.“ کسی باید در روح و قوتِ ایلیا بیاید، [ضمیمه را ببینید.] و هنگامی که ظاهر شود، مردم ممکن است بگویند: ”تو بیش از حد جدی هستی، کتاب‌مقدس را به شیوه درست تفسیر نمی‌کنی. بگذار به تو بگویم چگونه باید پیامت را تعلیم دهی.“»

«بسیارند کسانی که نمی‌توانند میان کار خدا و کار انسان تمایز قائل شوند. من حقیقت را آن‌گونه که خدا آن را به من عطا می‌کند، بیان خواهم کرد، و اکنون می‌گویم: اگر همچنان به خرده‌گیری ادامه دهید و روح اختلاف‌جویی داشته باشید، هرگز حقیقت را نخواهید شناخت. عیسی به شاگردان خود گفت: ”هنوز چیزهای بسیار دارم که به شما بگویم، لیکن اکنون طاقت تحمل آن‌ها را ندارید.“ آنان در وضعی نبودند که امور مقدس و جاودانی را قدر بدانند؛ اما عیسی وعده داد که تسلی‌دهنده را بفرستد، که همه‌چیز را به ایشان تعلیم خواهد داد و هر آنچه را او به آنان گفته بود، به یاد ایشان خواهد آورد.»

«ای برادران، ما نباید اعتماد خود را بر انسان بگذاریم. ”از انسان، که نفسش در بینی اوست، بازایستید؛ زیرا او را به چه باید محسوب داشت؟“ شما باید جان‌های درمانده خود را به عیسی بیاویزید. شایسته ما نیست که از چشمه دره بنوشیم، وقتی که چشمه‌ای در کوهستان هست. بیایید جویبارهای پست‌تر را ترک کنیم؛ بیایید به سرچشمه‌های برتر روی آوریم. اگر نکته‌ای از حقیقت هست که آن را در نمی‌یابید و درباره آن توافق ندارید، تحقیق کنید، کتاب‌مقدس را با

کتاب مقدس مقابلہ نمایید، چاہ حقیقت را در معدن کلام خدا ژرف فرو برید. شما باید خود و آرای خویش را بر مذبح خدا بگذارید، تصورات از پیش پذیرفته خود را کنار نہید، و بگذارید روح آسمان شما را به تمامی حقیقت ہدایت کند.» شہادت ہا برای خادمان، 475، 476.

«یکی باید در روح و قوت الیاس بیاید»: این سخنان از سوی برخی بہ اشتباہ بر شخصی معین تطبیق دادہ شدہ است کہ گمان می رفت با پیامی نبوی پس از زندگی و خدمت خانم وایت ظاہر شود. سہ پاراگرافی کہ این مقالہ با عنوان «بگذارید آسمان ہدایت کند» را تشکیل می دہند، تنہا بخش کوچکی از سخنرانی ای ہستند کہ الن وایت در صبح روز ۲۹ ژانویہ ۱۸۹۰ در بتل کریک، میشیگان، ایراد کرد. از آنجا کہ این مطلب در Review and Herald مورخ ۱۸ فورہ ۱۸۹۰ منتشر شد، عنوان «چگونہ با یک نکتہ مورد مناقشہ تعلیمی روبہ رو شویم» را داشت. بخش ہای دیگری برگزفتہ از این مقالہ، کہ تا حد زیادی برای تکمیل برخی صفحات این مجلد بہ کار رفتہ اند، را می توان در صفحات ۲۳، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۵۸، ۲۷۸، و ۳۸۶ یافت. این مقالہ بہ طور کامل در Selected Messages 1:406–416 بازچاپ شدہ است، و بخشی کہ شامل گزیدہ موسوم بہ «بگذارید آسمان ہدایت کند» است در صفحات ۴۱۲ و ۴۱۳ آمدہ است. ہنگامی کہ مقالہ بہ طور کامل خواندہ شود، آشکار می گردد کہ الن وایت، در این گفتہ کہ اندکی بیش از یک سال پس از کنفرانس مینیاپولیس بہ گروہی در بتل کریک ایراد شد، از خدمت خود خویش سخن می گفت. برخی نسبت بہ کار او روحیہ ای انتقادی پیدا کردہ بودند. توجہ کنید کہ در پاراگراف پیش از آنچہ در این مجلد در صفحہ ۴۷۵ آمدہ است، الن وایت اظہار می دارد:

«ما باید بہ جایگاہی درآییم کہ ہر اختلافی ذوب شود و از میان برود. اگر بیندیشم کہ نوری دارم، وظیفہ خود را در ارائه آن انجام خواہم داد. فرض کنید دربارہ پیامی کہ خداوند می خواہد بہ قوم بدہم با دیگران مشورت می کردم؛ ممکن بود آن در بستہ شود تا نور بہ کسانی کہ خدا آن را برای ایشان فرستادہ بود نرسد. ہنگامی کہ عیسی بہ اورشلیم داخل می شد، «تمام جماعت شاگردان آغاز کردند بہ شادی کردن و با آواز بلند خدا را برای ہمہ معجزات عظیمی کہ دیدہ بودند حمد گفتن، و گفتند: مبارک است آن پادشاہی کہ بہ نام خداوند می آید؛ صلح در آسمان، و جلال در اعلی علیین. و بعضی از فریسیان از میان آن جماعت بہ او گفتند: ای استاد، شاگردان خود را نہیب زن. او در پاسخ بہ ایشان گفت: بہ شما می گویم، اگر اینان خاموش شوند، سنگ ہا فوراً فریاد خواہند زد» (لوقا 19:37–40).

«یہودیان کوشیدند اعلان پیامی را کہ در کلام خدا پیشگوئی شدہ بود، متوقف سازند.»

«سپس او بار دیگر بہ تجربہ شخصی خود اشارہ می کند:»

««نبوت باید تحقق یابد. خداوند می فرماید: "اینک من ایلیای نبی را پیش از فرا رسیدن روز عظیم و ہولناک خداوند نزد شما خواہم فرستاد" (ملاکی ۴:۵). کسی باید در روح و قدرت ایلیا بیاید، و ہنگامی کہ او ظاہر شود، ممکن است مردم بگویند: "تو بیش از حد پرشوری؛ کتاب مقدس را بہ شیوہ ای درست تفسیر نمی کنی."»—Messages نمی کنی.»—Messages جلد ۱، ص. ۴۱۲.

«اینکہ او بہ تجربہ شخصی خود اشارہ می کرد، از بند بعدی نیز آشکار می شود؛ بندی کہ در آن اعلام می دارد:»

«من حقیقت را چنان کہ خدا آن را بہ من عطا می کند، بیان خواہم کرد...». ضمیمہ شہادت ہا برای خادمان.

یہ حقیقت کہ ایلن وانٹ کو اپنے زمانے کے الہیات دانوں اور راہنماؤں کی افسانہ پرداز یوں کا جواب دینا پڑا، اس بات کا کوئی ثبوت فراہم نہیں کرتی کہ وہ اپنے آپ کو اُس "مرد" کے طور پر شناخت کر رہی تھیں جو مستقبل میں ایلیاہ کی روح اور قدرت میں آنے والا تھا۔ ایڈونٹزم کے اندر ایلن وانٹ کے بہت سے

مخالفین کی طرف سے اُس بائبل اطلاق طریقہ کار پر حملے کا کیا ثبوت ہے جسے انہوں نے اختیار کیا؟ انہیں کب کبھی یہ کہا گیا کہ ”تم صحائف کی درست طور پر تفسیر نہیں کرتی؟“ وہ واضح طور پر نشان دہی کرتی ہیں کہ دنیا کے اختتام پر لوگوں کی ایک ایسی تحریک ہوگی جسے ایلیاہ کی روح اور قدرت سے متمکن کیا جائے گا، اور یہ تجویز کرنے کا کوئی جائز طریقہ نہیں کہ وہ یہ سمجھتی تھیں کہ تیسرے فرشتے کی بلند صدا کی وہ تحریک، جب انہوں نے ایلیاہ کی قدرت کے مستقبل میں ظہور کی نبوت کی، اُسی وقت وقوع پذیر ہو رہی تھی۔ لاودیکہ کے ایڈونٹسٹ الہیات دان اپنے ریور کو یہ باور کرانا چاہتے ہیں کہ سسٹر وائٹ، خداوند کے عظیم اور ہولناک دن سے پہلے بھیجے جانے والے نبی ایلیاہ کی تکمیل کے طور پر، ”اپنے ہی تجربے“ کی ”طرف اشارہ“ کر رہی تھیں۔

هان، من الیاس نبی را پیش از فرا رسیدن آن روز عظیم و هولناک خداوند نزد شما خواهم فرستاد. ملاکی ۴:۵.

الیاس بہ عنوان یک نماد، یکی از ویژگی‌های نبوی‌اش این است کہ روشی کتاب مقدسی را ارائه می‌کند کہ در برابر افسانہ‌های کھانتی می‌ایستد کہ افسانہ‌های آداب و سنت‌ها را پراکنده می‌سازد. کار او در مہیا ساختن راه («این است راه، در آن سلوک نمایید») بہ وسیلہ همان روش کتاب مقدسی انجام می‌پذیرد کہ با تعلیمات کھانتی فاسد مقابلہ می‌کند. و بر اساس سہ شاہد الیاس، یحیی تعمیددہندہ و میلر، ہمراہ با شہادت خواہر وایت دربارہ ظہور در آن زمان ہنوز آیندہ الیاس، او مردی خواہد بود، نہ زنی. ہنگامی کہ روش‌شناسی پالمونی و آلفا و امگا بہ درستی فہمیدہ شود، شناختہ می‌شود کہ آن صرفاً مجموعہ‌ای از قواعد کتاب مقدسی برای تفسیر کتب مقدس نیست، بلکہ رونوشتی از سیرت مسیح است کہ جلال اوست.

و جلال خداوند آشکار خواہد شد، و تمامی بشر آن را با ہم خواہند دید؛ زیرا دہان خداوند این را گفتہ است. اشعیا 40:5.

ذات مسیح عین آن روشی را باز می‌نمایاند کہ باید در فہم کلام او بہ کار گرفتہ شود، زیرا او خود کلام است.

شریعت خدا در مقدس آسمانی، اصل عظیمی است کہ احکامی کہ بر لوح‌های سنگی نگاشتنہ شد و موسی آن‌ها را در پنج‌گانہ ثبت کرد، رونوشتی بی‌خطا از آن بود. آنان کہ بہ فہم این نکتہ مہم رسیدند، بدین‌سان بہ دیدن ماہیت مقدس و تغییرناپذیر شریعت الہی رهنمون شدند. آنان، چنان کہ ہرگز پیش از آن ندیدہ بودند، قوت سخنان نجات‌دہندہ را دریافتند: «تا آسمان و زمین زایل نشود، ہمزہ‌ای یا نقطہ‌ای از شریعت ہرگز زایل نخواہد شد.» متی ۱۸:۵. شریعت خدا، چون مکاشفہ ارادہ او و رونوشتی از شخصیت اوست، باید تا ابد پایدار بماند، «چون شاہدی امین در آسمان». هیچ حکمی منسوخ نشدہ است؛ نہ ہمزہ‌ای و نہ نقطہ‌ای تغییر یافتہ است. مزمور نویس می‌گوید: «ای خداوند، کلام تو تا ابد در آسمان استوار است.» «ہمہ اوامر او استوارند. آن‌ها تا ابدالآباد پابرجا می‌مانند.» مزمور ۸۹:۱۱۹؛ ۷:۱۱۱، ۸. «مجادلہ عظیم، ۴۳۴.

ہمان‌گونہ کہ دہ فرمان رونوشتی تغییرناپذیر از شخصیت مسیح است، قواعد تفسیر نبوی نیز رونوشتی از شخصیت او ہستند.

ما خود باید بدانیم کہ مسیحیت از چہ چیزی تشکیل می‌شود، حقیقت چیست، و ایمانی کہ دریافت کردہ ایم کدام است، و قواعد کتاب مقدس چیست—قواعدی کہ از عالی‌ترین مرجع بہ ما دادہ شدہ است. بسیاری ہستند کہ بی‌آنکہ دلیلی برای بنای ایمان خود داشتہ باشند، و بی‌آنکہ شواہد کافی دربارہ حقیقت موضوع در اختیار داشتہ باشند، ایمان می‌آورند. اگر اندیشہ‌ای عرضہ شود کہ با عقاید از پیش پنداشتہ ایشان ہمہنگ باشد، بی‌درنگ آمادہ‌اند آن را بپذیرند. آنان از علت بہ معلول استدلال نمی‌کنند؛ ایمانشان هیچ بنیاد راستینی ندارد، و در زمان آزمایش خواہند یافت کہ

بر ریگ بنا کرده‌اند.

«آن که با معرفتِ کنونی ناقص خود از کتب مقدس خشنود می‌آرامد و آن را برای نجات خویش کافی می‌پندارد، در فریبی مهلک آرمیده است. بسیاری هستند که به دلایل کتاب مقدسی به طور کامل مجهز نشده‌اند، تا بتوانند خطا را تشخیص دهند و هر سنت و خرافه‌ای را که به عنوان حقیقت قالب کرده‌اند محکوم سازند. شیطان افکار خود را به عبادت خدا وارد کرده است تا سادگی انجیل مسیح را فاسد کند. شمار بسیاری که مدعی ایمان به حقیقت حاضر هستند، نمی‌دانند چه چیزی ایمان آن است که یک‌بار برای همیشه به مقدسان سپرده شد—مسیح در شما امید جلال. آنان می‌پندارند که از نشانه‌های کهن دفاع می‌کنند، اما گرم و نه سرد و بی‌تفاوت‌اند. نمی‌دانند که درهم‌تنیدن در تجربه خویش و دارا بودن فضیلت حقیقی محبت و ایمان به چه معناست. ایشان دانشجویان دقیق کتاب مقدس نیستند، بلکه سست و بی‌اعتنا هستند. هنگامی که در باب آیات کتاب مقدس اختلاف نظر پدید می‌آید، آنان که با هدف مطالعه نکرده‌اند و نسبت به آنچه بدان ایمان دارند استوار و قاطع نیستند، از حقیقت روی‌گردان می‌شوند. باید بر همگان ضرورت جست‌وجوی مجدانه در حقیقت الهی را تأکید کنیم، تا بدانند که حقیقت چیست و یقین داشته باشند که می‌دانند. برخی دعوی معرفت بسیار دارند و از وضعیت خود احساس رضایت می‌کنند، حال آنکه برای کار غیرتی بیشتر، و برای خدا و برای جان‌هایی که مسیح برای آنان مرد، محبتی سوزان‌تر از آن ندارند که گویی هرگز خدا را نشناخته بودند. ایشان کتاب مقدس را [به این قصد] نمی‌خوانند که مغز و فربهی آن را برای جان‌های خویش به خود اختصاص دهند. احساس نمی‌کنند که آن، صدای خداست که با ایشان سخن می‌گوید. اما اگر بخواهیم راه نجات را دریابیم، اگر بخواهیم پرتوهای آفتاب عدالت را ببینیم، باید کتب مقدس را با هدف مطالعه کنیم، زیرا وعده‌ها و نبوت‌های کتاب مقدس پرتوهای روشن جلال را بر نقشه الهی فیه می‌تابانند؛ همان حقایق عظیمی که به روشنی درک نشده‌اند.» The 1888 Materials, 403.

به راستی مسیحی بودن یعنی همانند مسیح بودن. این متن تصریح می‌کند که ما «باید خودمان بدانیم که مسیحیت از چه چیز تشکیل شده است.» همچنین می‌گوید که ما «باید بدانیم» «حقیقت چیست.» ما «باید بدانیم» «ایمانی که دریافت کرده‌ایم چیست.» ما باید بدانیم «قوانین کتاب مقدس کدام‌اند—قوانینی که از برترین مرجع به ما داده شده‌اند.» مسیح‌مانند بودن مستلزم آن است که بدانیم قوانین کتاب مقدس که از برترین مرجع به ما داده شده‌اند کدام‌اند. بدون آن قوانین، ما نمی‌توانیم مسیح‌مانند باشیم، زیرا قوانینی که از سوی برترین مرجع داده شده‌اند، باز نمودی از منش او هستند.

ویژگی دیگری از ایلیا، کار مهیا ساختن راه برای رسول عهد است. ایلیا نمایانگر کاری است که در طی تاریخی انجام می‌شود که در آن، قومی برگزیده پیشین کنار گذاشته می‌شوند و هم‌زمان قومی برگزیده جدید برگزیده می‌گردند. این تاریخ نمایانگر فرایند تطهیری است که قومی را پدید می‌آورد که به منزله قربانی‌ای پاک به تصویر کشیده می‌شوند، در تقابل با قوم برگزیده پیشین ناپاک.

هُوَذَا أَرْسِلُ مَلَائِكِي، فِيهِبِي الطَّرِيقَ أَمَامِي؛ وَيَأْتِي بَعْتَهُ إِلَى هَيْكَلِهِ السَّيِّدِ الَّذِي تَطْلُبُونَهُ، وَمَلَائِكَةُ الْعَهْدِ الَّذِي تَسْرُونَ بِهِ؛ هُوَذَا يَأْتِي، قَالَ رَبُّ الْجُنُودِ. وَمَنْ يَحْتَمِلُ يَوْمَ مَجِيئِهِ؟ وَمَنْ يَثْبُتْ عِنْدَ ظُهُورِهِ؟ لَأَنَّهُ مِثْلُ نَارٍ الْمَمْحُصِ وَمِثْلُ أَشْثَانِ الْقَصَارِ. فَيَجْلِسُ مَمْحُصًا وَمَنْقِيًا لِلْفَضَّةِ، وَيَنْقِي بَنِي لَأَوِي وَيَصْفِيهِمْ كَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، فَيَكُونُونَ مَقْرَبِينَ لِلرَّبِّ تَقْدِمَةً بِالْإِثْرِ. حِينَئِذٍ تَكُونُ تَقْدِمَةُ يَهُوذَا وَأورشليم مرضيةً لِلرَّبِّ، كَمَا فِي أَيَّامِ الْقَدَمِ وَكَالسَّابِقَةِ. ملاخي 3:1-4.

یوحنا تعمیددهنده راه را برای آن آماده ساخت که مسیح ناگهان بیاید و هیکل خود را پاک سازد. پاک‌سازی هیکل در آغاز و پایان خدمت مسیح، تحقق باب سوم ملاکی بود. یوحنا آن رسولی بود که راه را برای رسول عهد مهیا ساخت تا پسران لاوی را طاهر گرداند.

»در تطہیر ہیکل، عیسی مأموریت خویش را به عنوان مسیحا اعلام می کرد و به کار خود وارد می شد. آن ہیکل، کہ برای مسکن حضور الہی برپا شدہ بود، مقرر بود درسی عینی برای اسرائیل و برای جہان باشد. از ازل، مقصود خدا این بود کہ ہر موجود آفریدہ شدہ، از سراف درخشان و مقدس گرفتہ تا انسان، ہیکلی برای سکونت آفریدگار باشد. بہ سبب گناہ، انسانیت دیگر ہیکل خدا نبود. دل انسان کہ بہ وسیلہ شرارت تاریک و آلودہ شدہ بود، دیگر جلال آن ذات الہی را آشکار نمی ساخت. اما بہ وسیلہ تجسد پسر خدا، مقصود آسمان تحقق می یابد. خدا در انسان ساکن می شود، و بہ واسطہ فیض نجات بخش، دل انسان بار دیگر ہیکل او می گردد. خدا مقرر فرمودہ بود کہ ہیکل اورشلیم گواہی مستمر بر آن سرنوشت والایی باشد کہ در برابر ہر جان گشودہ است. اما یہودیہان معنای آن بنا را، کہ با چنان غروری بدان می نگریستند، درنیافتہ بودند. آنان خویشتن را همچون ہیکل های مقدس برای روح الہی تسلیم نکرده بودند. صحن های ہیکل اورشلیم، کہ از غوغای تجارت ناپاک آکنده بود، بہ راستی بیش از حد، ہیکل دل را مجسم می ساخت کہ بہ حضور امیال نفسانی و افکار ناپاک آلودہ شدہ بود. عیسی، در پاک ساختن ہیکل از خریداران و فروشندگان جہان، مأموریت خود را برای تطہیر دل از آلودگی گناہ اعلام کرد—از خواہش های زمینی، شہوات خودخواہانہ، و عادت های شریرانہ ای کہ جان را فاسد می سازند. «و خداوندی کہ شما طالب او می باشید، ناگہان بہ ہیکل خود خواہد آمد، یعنی آن رسول عہدی کہ شما از او مسرور می باشید؛ اینک او می آید، یہوہ صباوت می گوید. لیکن کیست کہ روز آمدن او را متحمل تواند شد؟ و کیست کہ بہ ہنگام ظاہر شدن او بایستد؟ زیرا کہ او مثل آتش گذارندہ و مانند اشنان رخت شویان است. و او نشستہ، مثل مصفی کنندہ و پاک کنندہ نقرہ، بنی لاوی را پاک خواہد ساخت و ایشان را مثل طلا و نقرہ مصفی خواہد نمود.» ملاکی ۳:۱-۳. آرزوی اعصار، ۱۶۱.

یوحنا تعمیددہندہ آن پیامبری بود کہ راہ را برای آمدن ناگہانی مسیح و تطہیر ہیکل او مہیا ساخت، و ویلیام میلر نیز همان کار تدارک را برای آمدن ناگہانی مسیح بہ قدس الاقداس در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بہ انجام رساند.

»426: pահանայապետ Քրիստոսի գալուստը դեպի ամենասուրբ վայրը՝ սրբարանի մաքրման համար, ինչպես ներկայացված է Դանիել 8:14-ում, մարդու Որդու գալուստը դեպի Հինավուրցը, ինչպես ներկայացված է Դանիել 7:13-ում, և Տիրոջ գալուստը դեպի իր տաճարը, ինչպես մարգարեացվել է Մադաքիայի կողմից, նույն իրադարձության նկարագրություններն են. և նույնը ներկայացված է նաև փեսայի գալուստով դեպի հարսանիքը, ինչպես Քրիստոսը նկարագրում է Մատթեոս 25-ի տասը կույսերի առակով:՝ Մեծ պաքարը, 426:»

جان اور ملنے اُس تطہیر کی تمثیل پیش کی جس کی نمائندگی ملاکی کرتا ہے، اور جو اب ہماری موجودہ تاریخ میں انجام پا رہی ہے۔

نبی فرماتے ہیں، ”میں نے ایک اور فرشتہ کو آسمان سے اُترتے دیکھا، جس کے پاس بڑا اختیار تھا؛ اور زمین اُس کے جلال سے منور ہو گئی۔ اور اُس نے زور سے بڑی آواز میں پکار کر کہا، بڑا بابل گر گیا، گر گیا، اور شیاطین کا مسکن پن گیا“ (مکاشفہ 18:1، 2)۔ یہ وہی پیغام ہے جو دوسرے فرشتہ نے دیا تھا۔ بابل گر گیا ہے، ”کیونکہ اُس نے اپنی حرامکاری کے غضب کی ہے سب قوموں کو پلائی“ (مکاشفہ 14:8)۔ وہ ہے کیا ہے؟—اُس کے جھوٹے عقائد۔ اُس نے چوتھے حکم کے سبت کے بدلے دنیا کو ایک جھوٹا سبت دیا ہے، اور اُس جھوٹ کو بھی دہرایا ہے جو شیطان نے ابتدا میں عدن میں حوا سے کہا تھا—یعنی روح کی طبعی لافانیت۔ ایسی بہت سی ہم جنس گمراہیاں اُس نے دور دور تک پھیلا دی ہیں، ”اور آدمیوں کے احکام کو عقیدہ بنا کر تعلیم دیتے ہیں“ (متی 15:9)۔

»وقتی عیسی خدمت علنی خود را آغاز کرد، ہیکل را از ہتک حرمت کفرآمیز آن پاک ساخت. در میان واپسین اعمال خدمت او، دومین تطہیر ہیکل قرار داشت. همچنین در آخرین کار برای ہشدار

دادن به جهان، دو دعوت متمایز به کلیساها داده می‌شود. پیام فرشته دوم این است: "بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است، سقوط کرده است، آن شهر عظیم، زیرا که همه امت‌ها را از شراب خشم زنی خود نوشانیده است" (مکاشفه 14:8). و در فریاد بلند پیام فرشته سوم، آوازی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: "از او بیرون آیید، ای قوم من، مبادا در گناهانش شریک شوید، و مبادا از بلاهایش نصیبی یابید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است، و خدا بی‌عدالتی‌های او را به یاد آورده است" (مکاشفه 18:4، 5). «Selected Messages, book 2, 118».

دو پاک‌سازی معبد در دوران خدمت مسیح، و دو پاک‌سازی معبد در تاریخ میلریتی، تحقق باب سوم ملاکی بودند و به پیش به سوی دو پاک‌سازی معبد اشاره می‌کنند که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، هنگامی که بناهای عظیم شهر نیویورک به لمس‌های از جانب خدا فرو افکنده شدند، و فرشته نیرومند مکاشفه هجده فرود آمد تا زمین را به جلال خود منور سازد. این، از جمله، افسانه‌پردازی باطلی را که الهی‌دانان لائودیکه‌ای ادونتیسزم عرضه می‌کنند باطل می‌سازد؛ همانان که مدعی‌اند الن وایت همان نبی الیاس بود که می‌بایست پیش از روز عظیم و مهیب خداوند بیاید. پاک‌سازی معبدی که هنگامی واقع می‌شود که فرشته مکاشفه هجده فرود می‌آید، هشتاد و شش سال پس از آن آغاز شد که الن وایت به خاک سپرده شد.

یوحنا تعمیددهنده و شاگردانش، میلر و میلری‌ها، و «آینده برای آمریکا» نمایانگر پیام‌آورانی هستند که راه را برای آن رسول عهد مهیا می‌سازند تا ناگهان به هیکل خویش بیاید و آن را از هتک حرمت کفرآمیزش پاک سازد.

ایلیاه بطور علامت یک آدمی کی نمائندگی کرتا ہے۔ وہ ایسے آدمی کی نمائندگی کرتا ہے جو عام طرز زندگی میں سے بلایا گیا ہو، نہ کہ کوئی کاہنہ الہیات دان۔ اس کی خدمت درست بائبل منہج کو پیش کرتی ہے، جو اعلیٰ ترین اقتدار کی طرف سے دیے گئے اصول ہیں۔ اس کی خدمت موجودہ لائودیکائی کہانت کے افسانوں، رسوم اور روایات پر مبنی منہج کے ساتھ بالمقابل ہے۔ وہ ایک ایسے تطہیری عمل کے لیے راہ تیار کرتا ہے جو ایک برگزیدہ قوم کے بچے کھچے حصے میں سے، جسے نظرانداز کر دیا گیا ہو، ایک نئی برگزیدہ قوم کو برپا کرتا ہے۔ یہ تطہیری عمل اچانک وقوع پذیر ہونے کے سیاق میں مقرر کیا گیا ہے۔

ایلیا همچنین نمایانگر خدمتی و کاری است که خدا آن را به‌طور خاص برپا می‌دارد و به‌عنوان خدمت منحصر به فرد خدا معرفی می‌کند.

ما این را در تاریخ میلری‌ها در مقاله بعدی نشان خواهیم داد.

اور شام کی قربانی چڑھانے کے وقت ایسا ہوا کہ ایلیاہ نبی نزدیک آیا اور کہا، اے خداوند، ابراہیم، اسحاق اور اسرائیل کے خدا، آج یہ معلوم ہو جائے کہ تو ہی اسرائیل میں خدا ہے، اور میں تیرا بندہ ہوں، اور یہ کہ میں نے یہ سب کچھ تیرے ہی حکم سے کیا ہے۔ 1 سلاطین 18:36.